

در سهایی از مکتب امام مجتبی



کریم تبریزی

مِثِّي وَمَنْ عَصَاةَ فَلَيْسَ مِنِّي،^۱ احسن پسر و فرزند من است. او از من است و نور چشم من و روشنایی قلب من و میوه جان من است. او سید و آقای جوانان اهل بهشت است و حجت خدا بر امت می باشد. دستور او دستور من و سخنش سخن من است. کسی که از او پیروی کند، از من است و هر کس نافرمانیش کند، از من نیست.»

امام حسن علیه السلام هفت ساله بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت کرد. وقتی که احساس کرد جدش می خواهد برای

حضرت امام حسن بن علی علیه السلام پیشوای دوم ره یافته گان و نخستین فرزند علی و فاطمه علیهما السلام در نیمه رمضان سال سوم هجرت در شهر مدینه به دنیا آمد.

این نوزاد که شباهت زیادی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله داشت، مورد توجه شدید آن حضرت قرار گرفت.

پیامبر علاقه قلبی خود را به این کودک در قالب کلمات زیبایی ابراز می داشت و می فرمود: «الْحَسَنُ فَإِنَّهُ إِنِّي وَوَلَدِي وَمِثِّي وَفَرْغَةُ عَيْنِي وَضِيَاءُ قَلْبِي وَكَمْرَةٌ فُوَادِي وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ

۱. بشارة المصطفى، عماد الدین طبری، کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۳ق، ص ۱۹۹.

امام مجتبیٰ علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سی سال در کنار پدر بزرگوارش امام امیر المؤمنین علیه السلام به عنوان یار و مددکار آن حضرت عمل می کرد تا اینکه در سال چهارم هجرت بعد از شهادت پدر گرامی اش ده سال منصب خطیر امامت را به عهده گرفت و در سال پنجاه هجری در سن ۴۷ سالگی با توطئه معاویه و هم دستی همسر نامهربانش به شهادت رسید و در قبرستان بقیع مدفون گردید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد ثواب زیارت آن گرامی فرموده است: «مَنْ زَارَهُ فِي بَقِيعِهِ نَبَتْ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَرْتَلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ»^۱ هر کس او را در بقیع زیارت کند، در روزی که قدمها در پل صراط لرزان می شود، قدمهای او ثابت و استوار می باشد.

در این فرصت سعی کرده ایم تا درسهایی را از مکتب مستعالی آن

۱. مسند زید بن علی، نشر الحیاء، بیروت، ص ۴۰۴.

۲. اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ص ۲۱۱.

۳. امالی صدوق، کتابخانه اسلامیة، ۱۳۶۲ش، تهران، ص ۱۱۵.

همیشه از او جدا شود، به همراه برادر کوچکش امام حسین علیه السلام به کنار بستر پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن دو را به آغوش کشید، آنان به شدت گریه می کردند، تا اینکه پیامبر از حال رفت. امام علی علیه السلام خواست آن دو را از پیامبر صلی الله علیه و آله جدا کند، اما حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله چشمانش را گشود و فرمود: «دَعَهُمَا يَتَمَتَّعَانِ مِنِّي وَاتَمَّتْ مِنْهُمَا فَتُصِيبُهُمَا بَعْدِي أُمَّرَةٌ»^۱ [علی جان!] ایندو را واگذار تا از من بهره گیرند و من نیز از آن دو بهره مند شوم، که پس از من به آن دو ناگواری خواهد رسید.

احترام فوق العاده پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسن علیه السلام تعجب اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز برانگیخته بود.

ابن عباس گفته است: با حضرت رسول صلی الله علیه و آله به خانه فاطمه علیها السلام رفتیم، در زدیم، حسن که کودکی بیش نبود و سیمایی پاکیزه و مرتب داشت از منزل بیرون آمد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با چهره شاداب و شکفته او را در آغوش گرفت، ابراز محبت کرد، او را بوسید و سپس فرمود: «إِنَّ إِبْنِي هَذَا سَيِّدٌ»^۲ این پسر من آقا است.

می فرماید: «إِنَّ الْأَيْمَةَ مِثْنَا وَإِنَّ الْخِلَافَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا فِينَا وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَنَا أَهْلَهَا فِي كِتَابِهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ وَإِنَّ الْعِلْمَ فِينَا وَنَحْنُ أَهْلُهُ وَهُوَ عِنْدَنَا مَجْمُوعٌ كُلُّهُ بِحَدِّ أَفِيرِهِ وَإِنَّهُ لَا يَخْدُثُ شَيْءٌ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى آرِشَ الْعَدِيشِ إِلَّا وَهُوَ عِنْدَنَا مَكْتُوبٌ بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَطٌّ عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِبَيْدِهِ؛^۱ پیشوایان هدایتگر از ما [اهل بیت] می‌باشند و خلافت، شایسته نیست مگر در خانواده ما، و خداوند در کتاب خود و سنت پیامبرش ما را اهل آن قرار داده است. حقیقت علم و دانش در نزد ماست و ما اهل آن هستیم و تمام رشته‌های دانش از همه جهات [از اصول و فروع] نزد ما جمع است؛ آن چنان که تا روز قیامت هیچ چیزی - حتی احکام تاوان خراش کوچک - حادث نمی‌شود، مگر اینکه در نزد ماست که با املاى رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دست خط مبارک علی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نوشته شده است.»

بدیهی است که رهنمودهای وحیانی اهل بیت علیهم السلام نه تنها برای سعادت مسلمانان، بلکه برای هدایت

حضرت فرا گرفته و به تشنگان معارف زلال اهل بیت علیهم السلام تقدیم نمایم.

اهمیت رهبری ائمه علیهم السلام

انسان در طول زندگی خود برای رسیدن به قلّه سعادت و خوشبختی نیاز به راهنما و آموزگار دارد و بدون راهنمایی و ارشاد وی هرگز نمی‌تواند راه را از چاه و حقیقت را از خرافات تشخیص دهد. بدین جهت کسانی که خودسرانه مسیر زندگی را طی می‌کنند، خواهی نخواهی در سرایشی سقوط قرار گرفته و راه به جایی نمی‌برند. این مربی می‌تواند پدر، مادر، معلم، انسانهای تجربه‌دیده و یا عالمان و دانشمندان و نخبگان جامعه باشند. حافظ در این رابطه می‌گوید:

طی این مرحله بی‌مهری خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی
طبق باور ما شیعیان، برای هدایت و راه‌نمایی انسانها، بهترین و شایسته‌ترین مربیان، پیشوایان معصوم علیهم السلام هستند که رهنمودهای آنان در مراحل مختلف زندگی چراغ راه جهان بشریت است. امام حسن مجتبی علیه السلام در اهمیت این موضوع

۱. احتجاج، طبرسی، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق. ج ۲، ص ۲۸۷.

لحظات افراد، زمانی است که در کنار دوست موافق و همنشین صمیمی شان به سر می‌برند، شادی و غم خود را با آنان تقسیم می‌کنند و انبساط خاطر و آرامش درونی می‌یابند. این همگرایی با دوستان در روح و جان آنها تأثیر دارد و در این تعامل خلق و خو و افکار آنان به اذهان همدیگر منتقل می‌شود.

امام مجتبی علیه السلام به این نیاز فطری توجه کامل داشت. آن حضرت به یافتن و نگهداری از دوستان خوب و سودمند تشویق می‌نمود و اثرات مثبت و منفی رفاقت را گوشزد می‌کرد. امام مجتبی علیه السلام دوستان و علاقه‌مندان را به همراهی و همنشینی با افراد شایسته، دلسوز، امین، صبور و مهربان ترغیب می‌نمود و در یکی از گفتارهایش به جناده ابن ابی امیه فرمود:

«فَاضْحَبْ مَنْ إِذَا صَحِبْتَهُ زَانِكًا وَإِذَا خَدَمْتَهُ ضَانِكًا وَإِذَا أَرَدْتَ مِنْهُ مَعُونَةً عَانِكًا وَإِنْ قُلْتَ صَدَقَ قَوْلَكَ وَإِنْ صُلْتَ شَدَّ صَوْلَتَكَ وَإِنْ مَدَدْتَ يَدَكَ بِفَضْلِ مَدَّهَا وَإِنْ بَدَّتْ مِنْكَ ثَلَمَةٌ سَدَّهَا وَإِنْ زَاىَ مِنْكَ حَسَنَةٌ عَدَّهَا وَإِنْ سَأَلْتَهُ أَعْطَاكَ وَإِنْ سَكَتَ عَنْهُ ابْتَدَأَكَ»^۱

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۲۱۱.

و تربیت تمام انسانهای عالم تنظیم شده است، آهنگ ملکوتی و سیاق فطری این گفتارها همانند آیات قرآن با فرهنگ واقعی همه افراد بشر که همان فطرت پایدار و تغییرناپذیر است هماهنگ می‌باشد و مخاطب آن بزرگواران فطرت پاک انسانهاست و رهنمودهای دلنوازشان همانند آبی گوارا و زلال عامل حیات و رشد و تربیت همه طبقات مردم می‌باشد.

شرائط دوستی و تأثیر دوستان

انسان یک موجود اجتماعی است و برای ادامه حیات خود نیاز به انیس و مونس دارد تا با او درد دل، مشورت و گفتگو نماید و لحظاتی را از تنهایی بیرون آید، از افکار و ایده‌های طرف مقابل بهره برده و متقابلاً اندیشه‌هایش را با او مطرح نماید، مشکلاتش را بگوید، تجربه‌های دیگران را بشنود، تاریخ و خاطرات تلخ و شیرین را با او رد و بدل کند و دهها نیاز دیگر را در کنار او مطرح کند.

انسان با داشتن دوست مناسب، یکی از خلاءهای زندگی‌اش را پر می‌کند و از مشکلات زندگی می‌کاهد. به طور حتم می‌توان ادعا کرد که بخشی از بالذت‌ترین

مثبت باشند، بر سجایا و خلق و خوی فرد تأثیر مفید و مثبت خواهند گذاشت و اگر از عناصر سست ایمان و ناسالم باشند، پرواضح است که تأثیر آنان منفی و مخرب خواهد بود. مولای متقیان در این باره به امام مجتبیٰ علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَمَوَاطِنَ التُّهْمَةِ وَالْمَجْلِسِ الْمَظْنُونِ بِه السُّوءِ»^۱ [فرزندم!] از حضور در مجالس تهمت‌زا و محافلی که مورد بدگمانی است بپرهیز.

چه انسانهای پاک و شریفی که در اثر اختلاط با گروه‌ها و محافل منحرف، ایمان و اعتقاد خود را از دست داده و به افراد ناصالح و سربار جامعه تبدیل شده‌اند. در مقابل افراد ناشایست بسیاری را سراغ داریم که با ورود به محافل سالم، مذهبی، علمی و فرهنگی، اخلاق نادرست و منش و رفتار غلط خویش را تغییر داده و به فردی مفید، شریف و بزرگوar تبدیل شده‌اند؛ حتی گاهی به مقام بلند و به حد رهبر فکری آن مجالس ارزشمند ارتقا یافته‌اند.

در عصر ما کانونهای اجتماعی و نهادهای متعددی را می‌توان نام برد که در

باکسی دوستی کن که رفاقت او زینت و آرایش شخصیت تو بوده و پاسدار خدمات تو باشد. هرگاه از او یاری طلبیدی یاریت کند و هرگاه سخنی گفتی، تو را تصدیق نماید. اگر به او نزدیک شدی تو را محترم شمرده و مقامت را گرامی دارد، اگر دست نیاز به سویش دراز کردی دستت را رد نکند، اگر مشکلی داشتی و گرهی در کارت افتاد [تا حد توانش] آن را بگشاید، اگر از تو نیکی و خوبی بیند آن را فراموش نکند، اگر خواسته‌ای داشتی آن را برآورد، و هرگاه سکوت کردی، او با تو آغاز به سخن کند.»

نقش محافل اجتماعی

از عوامل تأثیرگذار در وجود آدمی، کانونهای اجتماعی، محافل مذهبی و نهادهای مدنی است. بخش زیادی از افکار و اندیشه‌های انسان در این گونه مجامع شکل می‌گیرد.

فردی که در جامعه‌ای زندگی می‌کند با شرکت در جلسات عمومی و نشستها و گروهها و تشکیلات اجتماعی تحت تأثیر رفتارها و حرکات اعضای شرکت کننده در آن قرار می‌گیرد. اگر اعضای آن مجموعه‌ها از افراد نیک‌اندیش و دارای افکار سالم و

۱. امالی شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، مجلس ۲۶، حدیث ۱.

۴. [رسیدن به] رحمتی مورد انتظار
[از طرف خداوند]؛

۵. [یاد گرفتن] سخنانی که او را
هدایت کند؛

۶. آموختن سخنانی که او را از لغزشها
و خطاها باز می‌دارد؛

۷. خودداری از گناهان به جهت
شرمساری؛

۸. ترک معصیت به خاطر ترس از
رسوایی.»

امام علیه السلام در سخن دیگری فرمود:
«الْفَقْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدَ وَطَاعَتِكَ الْمُسْفِدَةُ»^۲
یکی از نشانه‌های غفلت آن است که مسجد
را ترک کنی و از افراد مفسد پیروی نمایی.»

ویژگیهای آیات وحی

کتاب آسمانی قرآن گنجینه حقائق و
اسرار بی شماری است که هر خواننده‌ای را
نسبت به فراخور استعدادش غنی می‌سازد
و هر روح و جان تشنه‌ای را از چشمه‌های
ناب حکمت سیراب می‌نماید.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «إِنَّ هَذَا

فضاهای ورزشی، تبلیغی، مذهبی،
تفریحی، ادبی، فرهنگی و غیره فعالیت
دارند. این مجموعه‌های اجتماعی تأثیر
سایان توجهی در زمینه پرورش فکری،
جسمی، روانی و اخلاقی شرکت کنندگان
خود دارند.

یکی از مهم‌ترین و پرثمرترین
مکانها، مسجد است. امام حسن مجتبی علیه السلام
در ضمن رهنمودی سودمند، اصل
تأثیرگذاری مسجد را گوشزد کرده و به
شرکت جستن در محافل مفید و سالم که در
آن برگزار می‌شود ترغیب نموده و
می‌فرماید: «مَنْ أَدَامَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ
أَصَابَ إِخْدَى قَمَانٍ: آيَةٌ مُخَكَّمَةٌ وَأَخَا
مُسْتَفَادًا وَعِلْمًا مُسْتَظَرَفًا وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً
وَكَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرُدُّهُ عَنِ رَدَى
وَتَرْكُ الذُّنُوبِ حَيَاءٌ أَوْ خَشْيَةٌ»^۱

کسی که پیوسته به مسجد رفت و آمد
داشته باشد، یکی از هشت بهره نصیبش
خواهد شد:

۱. [بدست آوردن] نشانه‌ای روشن و

محکم [در راه هدف]؛

۲. [آشنایی با] دوستان مورد استفاده؛

۳. [استفاده از] دانش نو و اطلاعات

تازه؛

۱. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی،
مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۵، ص ۱۰۸.
۲. العدد القویة، احمد بن علی طبرسی، نشر
مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ص ۵۳.

ساخته و محرمات الهی را حلال شمرده‌اند، به سوی آتش جهنم سوق می‌دهد.»^۳

امام در مورد برکات تلاوت قرآن فرمودند: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةً إِمَّا مُعَجَّلَةً وَإِمَّا مُؤَجَّلَةً»^۴ هر کس قرآن را بخواند [نزد خداوند متعال] یک دعای مستجاب دارد، یا زود و یا دیر.

این نوشتار را با شعری در مدح امام حسن مجتبی علیه السلام به پایان می‌بریم. مجتبی ای که تو در مرتبه مرآت خدایی دومین حجت حق سبط رسول دو سرایی پرورش یافته دامن پیغمبر وزهرا صاحب مکرمات و منزلت و حلم و حیای جد تو احمد و بابت علی و فاطمه مادر اولین سبط نبی چارم اصحاب کسای از ازل تا به ابد چون تو نیامد به سخاوت معدن بخشش و احسان و یم جود و سخای سسید و سرور و آقای جوانان بهشت حامی ملت و دین، شافع فردای جزایبی

الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَشِفَاءُ الصُّدُورِ؛^۱ در این قرآن چراغهای نور [و هدایت] و شفای سینه‌هاست.»

امام در سخن دیگری اهمیت رهبری قرآن و تأثیر آن را چنین توصیف می‌کند: «مَا بَقِيَ فِي الدُّنْيَا بَقِيَّةٌ غَيْرَ هَذَا الْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا يَدُلُّكُمْ عَلَى هُدَاكُمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنْ لَمْ يَخْفَظْهُ وَأَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَفْرَهُهُ؛^۲ در این دنیا [از میان کتابهای آسمانی به صورت دست نخورده و سالم] جز قرآن چیزی باقی نمانده است؛ پس آن را رهبر خود قرار دهید تا شما را [به ندای فطرتان] هدایت کند، و سزاوارترین مردم به قرآن کسی است که به آن عمل می‌کند، هر چند آن را حفظ نکرده باشد و دورترین مردم از قرآن کسی است که به آن عمل نمی‌کند، هر چند آن را بخواند.»^۲

آن حضرت در ادامه فرمودند: «این قرآن در روز قیامت به عنوان رهبر و هدایت‌کننده محشور می‌شود و گروهی را که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام شمرده‌اند و به متشابهات قرآن ایمان آورده‌اند، به سوی بهشت رهنمون می‌شود و مردمی را که حدود و احکام الهی را تباه

۱. کشف الغمّة، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۵۷۳.

۲. ارشاد القلوب، حسن دیلمی، نشر شریف رضی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۹.

۳. همان.

۴. الدعوات، قطب الدین راوندی، مدرسه امام مهدی عج، قم، ۱۴۰۷ق، ص ۲۴.